



ژن تولید؛ میراثی ماندگار



تهیه و تنظیم: مینا بیانی

گفت‌وگو با دکتر بهروز بهزادان - مدیرعامل شرکت نساجی شمیده

اشاره:

علاقه بسیاری به صنعت نساجی دارد و یکی از دلایلی که فعالیت در نساجی را برایش توجیه‌پذیر می‌کند، همین دل‌بستگی است. مدیرعامل نساجی شمیده ادامه می‌دهد: «متأسفانه تولید در کشور ما بسیار مظلوم است و به جایی رسیده‌ایم که کارخانه را صرفاً برای تداوم اشتغال کارگران حفظ کرده‌ایم. علی‌رغم مشکلات اقتصادی کشور و تحریم‌ها، دولت می‌تواند با اعتماد و توجه به ظرفیت‌های علمی و عملی برخی از تولیدکنندگان، با حمایت‌های اصولی و پایدار مسیر پیشرفت را برای آنها فراهم نماید تا شاهد اتفاقات خوب در بخش صنعت باشیم.» دکتر بهزادان ابراز امیدواری می‌کند «قدر تولیدکنندگان و صنعتگران بیش از پیش شناخته و فضایی برایشان ایجاد شود تا بتوانند از داشته‌هایشان، از صنعتی که جوانی، عمر و سرمایه خود را گذاشته‌اند و زندگی خانواده‌های متعددی را سر و سامان داده‌اند، حراست نمایند.»

« بیوگرافی و شروع فعالیت‌های حرفه‌ای در صنعت

متولد سال ۱۳۶۰ در تهران و فرزند سوم و آخر خانواده هستم. به تبع شغل و آشنایی با رشته تحصیلی پدرم - آقای دکتر هوشمند بهزادان (استاد بازنشسته دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه صنعتی امیرکبیر) - در مقطع کارشناسی رشته شیمی نساجی و علوم الیاف دانشگاه آزاد واحد شهر ری به تحصیل پرداختم.

دوران دانشجویی جهت آشنایی بیشتر دانشجویان و افزایش انگیزه و علاقه آنان نسبت به رشته نساجی و به نوعی ملموس کردن دانش تئوریک با فعالیت‌های فنی و عملی این رشته، تلاش‌های بسیاری انجام دادم.

پس از اتمام تحصیلات کارشناسی، سال ۲۰۰۵ جهت ادامه تحصیل در نساجی عازم کشور انگلستان شدم. برای پشت سر گذاردن امتحان IELTS با نمره لازم جهت پیش‌نیاز ورود به دانشگاه، شروع به تحصیل در یک دوره یکساله پیش‌دانشگاهی شامل زبان پیشرفته انگلیسی و دروس بیزنس بین‌الملل

(INTERNATIONAL BUSINESS) در دانشگاه SOAS لندن کردم. در این میان به رشته بازرگانی علاقه‌مند شدم زیرا برخلاف رشته نساجی، به یک موضوع خاص وابسته و متمرکز نیست و در هر مقطع و صنعتی امکان فعالیت در آن وجود دارد، به همین دلیل رشته تحصیلی خود را در مقطع کارشناسی ارشد به «مدیریت کارآفرینی» در دانشگاه EUROPEAN BUSINESS SCHOOL LONDON تغییر دادم. همان‌طور که می‌دانید انگلستان مهد نساجی دنیاست و انقلاب صنعتی از این کشور و صنعت نساجی آغاز شد اما در حال حاضر رشته نساجی در کشورهای اروپایی برخلاف ایران یا کشورهای خاورمیانه، رونق کاری سال‌های دور را ندارد و به طور کلی اروپا از صنایع بنیادین و اساسی به بهره‌گیری از تکنولوژی‌های خاص و پیشرفته مثل هوش مصنوعی روی آورده است.

در مقطع دکترا نیز شاخه‌ای از رشته مدیریت کارآفرینی را ادامه دادم و موضوع پایان‌نامه دکترایم در دانشگاه برنل لندن «مکانیسم تغییر نسل در شرکت‌های

و کار دقیقی که برای صنایع طراحی و اعمال کرده‌اند را برای اصناف و بازاریان توجیه پذیر کنند! سامانه جامع تجارت و مودیان مالیاتی هم مکانیسم مطلوبی است ولی چون به اصطلاح زور دولت به بازاریان نمی‌رسد، همیشه فشار این سیکل معیوب بر دوش تولیدکننده بوده است.

اما مطلبی که در قبال اخذ مالیات از آحاد جامعه بسیار مهم است، دیدن تغییرات مثبت و بنیادینی در جامعه است که از صرف چنین درآمدهایی از طرف دولت صورت می‌گیرد.

شهروندان اغلب کشورها پیشرفته به طور شفاف و صریح در جریان گردش مالی مالیات‌ها قرار می‌گیرند ولی در ایران علی‌رغم شعارهای شفاف‌سازی که وجود دارد هنوز هیچ اثری از عمل نیست، در نتیجه دلسردی و سرخورگی میان بخش‌های مختلف جامعه شکل می‌گیرد.

بهتر است در این زمینه مثالی عینی برای شما بزنم. در انگلستان به فعالیت‌های امدادگری و اهدای خون داوطلبانه می‌پردازیم، هر بار چند روز پس از اهدای خون در قالب پیامک مطلع می‌شدم که این خون به کدام بیمارستان یا مرکز درمانی یا تحقیقاتی ارسال شده است. هرچند نیازی به کسب اطلاع در این زمینه نداشتم ولی شفاف‌سازی و روشن‌گری در سطحی است که افراد را در جریان مصرف خون‌هدایی هم قرار می‌دهند.

مطلب دیگر این‌که در فصل تابستان، یک یا دو روز در هفته برق کارخانه قطع می‌شود، زمستان‌ها با مشکل تأمین گاز مواجهیم و سال گذشته بدون اعلام قبلی، گاز واحدهای صنعتی منطقه ما قطع شد! نزدیک دو ماه دوندگی کردیم تا مجوز دریافت گازوئیل برای کارخانه بگیریم! البته از سال‌های پیش، مقداری گازوئیل در کارخانه باقی مانده بود که کیفیت خوبی نداشت اما به سختی کار را ادامه دادیم تا قادر به پرداخت حقوق کارگران باشیم. چنین خسارتی هیچ‌وقت توسط متولیان امر جبران نمی‌شود و در ازای آن تسهیلات مالی یا معافیت‌های مالیاتی لحاظ نمی‌گردد.

تولیدکنندگان روز به روز ناتوان‌تر می‌شوند چون اصولاً مورد اهمیت قرار نمی‌گیرند و درآمدهای نفتی، و امور بازرگانی کانون اصلی توجه تصمیم‌گیران کشور است.

آن قدر دقیق و همراه با جزئیات بود که حتی زمانی که ایران حضور نداشتند، گویی در کارخانه هستند و بر کارها نظارت دارند! بعد از ظهرها نیز با ایشان به مرور مسائل و مشکلات مربوطه و تصمیم‌گیریهایی مهم می‌پرداختم. امروز که با شما صحبت می‌کنم، صرفاً مسائل فنی و تکنولوژیکی را با ایشان در میان می‌گذارم تا از تجربیات ایشان بهره‌مند شوم و سایر فعالیت‌ها در زمینه تولید، بازرگانی، فروش و ... را شخصاً انجام می‌دهم. خدا را شکر تا به امروز اختلاف نظر عمده و حل‌نشده‌ای با یکدیگر نداشته‌ایم.

۴ بعد از بازگشت به ایران در جریان وضعیت تولید و بازرگانی نساجی قرار داشتید؟

به هر حال از زمان دانشجویی و به دلیل فعالیت‌های فوق‌العاده دانشجویی در تاسیس و مدیریت انجمن علمی-مهندسی نساجی در دانشگاه و حضور در همایش‌های مختلف نساجی با مسائل و مشکلات این صنعت بیگانه نبودم، اما چالش‌های تولید از نزدیک برایم ملموس نبود و برخوردی با آنها در این سطح نداشتم. بارها در محافل مختلف گفته‌ام که در گذشته، کارخانه‌دار معنای واقعی خود را داشت و امروز باید به حال آنان گریست.

راه نجات هر کشوری، رشد و توسعه صنایع آن است ولی در کشور ما تولیدکننده مورد بی‌توجهی مسئولان قرار دارد؛ نه تنها برخلاف شعارهای که سر داده می‌شود، از تولید حمایتی به عمل نمی‌آید، بلکه صنعتگر به عناوین مختلف مشمول پرداخت جریمه و مبالغ کلان می‌گردد.

امروز سخت‌گیری‌های مالیاتی نسبت به چند دهه گذشته بسیار بیشتر شده است، البته دریافت مالیات فی‌نفسه هیچ مشکلی ندارد و تولیدکنندگان کشور هم مشکلی با پرداخت مالیات ندارند، چرا که تمام دنیا آن را می‌پردازند ولی مالیات باید از تمام فعالان صنعتی و بازرگانی مربوطه اخذ شود نه این‌که فقط تولیدکننده موظف به پرداخت انواع مالیات شود و اصناف و بازاریان از آن شانه خالی کنند. اشکال این چرخه معیوب این است که صنعتگر عملاً مجبور خواهد شد تا جهت حفظ مجموعه تولیدی و پرسنل خود بخشی از مالیات‌های ایشان را نیز تقبل کند، به عبارت دیگر سیاست‌گذاران مالیاتی کشور تا به امروز نتوانستند ساز

خانوادگی در مقیاس صنعتی» با تمرکز بر صنعت نساجی ایران بود که علی‌رغم دشواری‌های فراوان در جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده‌ها، ترجمه دقیق مطالب و ... با موفقیت انجام شد.

پس از اتمام تحصیلات به دلایلی از جمله مسائل خانوادگی به کشور بازگشتم و در شرکت خانوادگی مان «نساجی شمیده» بصورت تمام وقت به فعالیت‌های صنعتی و تولیدی پرداختم. البته در گذشته به صورت نیمه وقت در مقاطع مختلفی در شرکت فعالیت میکردم و از طریق پدرم هم در جریان امورات کلی کار قرار می‌گرفتم.

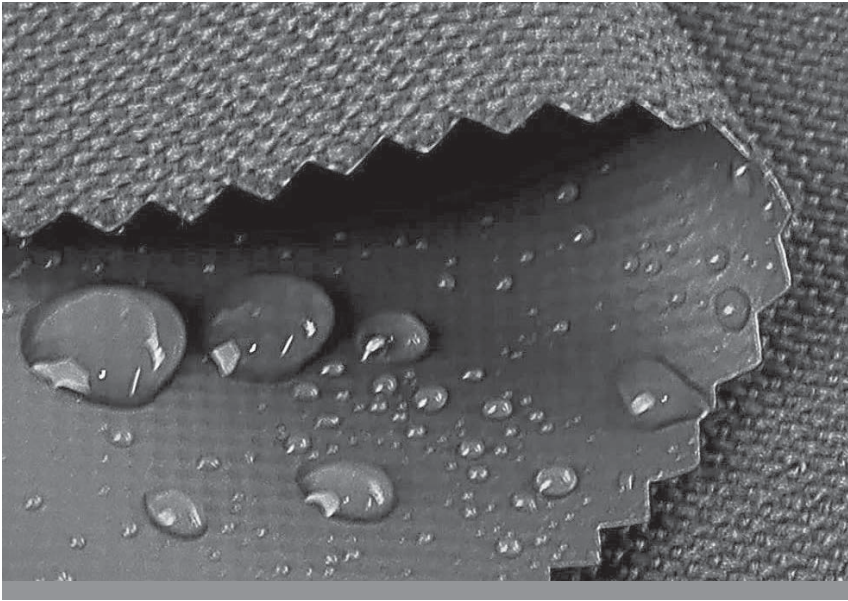
جالب است بدانید این مجموعه تقریباً همسمن من است چون پدر در دهه ۶۰ زمین کارخانه را گرفتند همراه با ساخت و ساز کارخانه و احداث سوله و تأسیسات من هم بزرگ شدم و به تعبیری برایمان حکم فرزند چهارم خانواده را دارد. چون همیشه از نزدیک در جریان تلاش‌های مستمر پدر در کارخانه قرار داشتیم، علاوه بر علاقه شخصی و تمایل به کسب تجربه حرفه‌ای مدیریتی در سطح بالا، می‌خواستیم به نحوی زحمات ایشان را هم جبران نمایم، اما سال ۱۳۹۵ دقیقاً زمانی وارد عرصه تولید شدم که اقتصاد کشور در شرایط بسیار نامساعدی قرار داشت.

به یاد دارم زمانی که به ایران بازگشتم نرخ پوند حدود ۴-۵ هزار تومان بود در حالی که امروز با رشد فزاینده تورم به ۶۵ هزار تومان رسیده است! به همین دلیل رشد و توسعه‌ای که انتظار داشتیم در کارخانه به وجود آورم، عملاً تحقق نیافت و تمام تلاش‌هایم در کنار کسب تجربه‌های دست اول، صرف حفظ و نگهداری کارخانه شد.

۴ اختلاف نظراتی که در روند کار پیش می‌آمد را چگونه با پدر برطرف می‌کردید؟

واقعیت این است که اختلاف نظر از بزرگ‌ترین دلایل شکست کسب و کارهای خانوادگی است اما خوشبختانه پدر همیشه فضای لازم برای کار را به من دادند و من نیز در مقابل، در مسئولیت‌های ایشان هیچ‌گونه دخالتی نمی‌کردم و فقط با تعامل و مشورت با همدیگر امور کارخانه را روزانه پیش می‌بردیم.

در چند سال ابتدایی، ایشان را کاملاً در جریان کارهای روزمره مجموعه قرار می‌دادم روند گزارش‌دهی به پدر



۴ تحریم‌ها در روند فعالیت‌های تولیدی تا چه میزان اثر گذار است؟

قطعا از جهات گوناگونی تاثیر گذار بوده است و این موضوع داستانی تلخ و شیرین است. در کنار تحریم‌ها و موانع تجارت بین‌الملل، شاهد رشد تولید داخل هم بوده‌ایم. برای مثال طی ۲-۳ سال اخیر با اوج‌گیری تحریم‌ها و تشویق به بهره‌گیری از توانمندی‌های داخلی، شرکت‌های متعددی در جریان فعالیت‌های شیمی‌ها قرار گرفتند. مثلاً متوجه شدند قادر به تولید پارچه‌های خاص ایزوله آنتی استاتیک هستیم که مورد مصرف شرکت‌های بزرگ خودروسازی و الکترونیکی است. این نیاز قبلاً از طریق واردات رفع می‌شد چون اطلاعاتی از توان تولید داخل وجود نداشت. به این ترتیب ما هم وارد فازهای جدید تولید نخ و پارچه‌های مخصوص شدیم که در رشد مجموعه نقش مهمی ایفا کرد.

از طرف دیگر، بخاطر تحریم‌ها و مشکلات مبادلات مالی بین‌المللی در تامین قطعات یدکی اورجینال مشکلات زیادی داشتیم و به ناچار اغلب مجبور به استفاده از نمونه‌های مشابه بودیم.

تحریم‌ها بهانه‌ای شد تا قاچاق کالا نسبت به گذشته رونق بیشتری بگیرد و همچنین ارتباطات تجاری با تعداد معدودی از کشورها مستحکم‌تر گردد.

همانطور که گفتیم، موضوع قاچاق البته بحث تازه‌ای در این صنعت نیست. نساجی شمیمه در سال ۱۳۳۴ با حدود ۱۲۰ کارگر فعالیت خود را به طور رسمی در زمینه تولید پارچه‌های شیمی و آکسفورد (برزنت تریلر) آغاز کرد اما شرایط اقتصادی و تولیدی کشور به نحوی پیش رفت که در حال حاضر این تعداد به کمتر از ۵۰ نفر رسیده است.

پارچه‌های مذکور از جمله تولیدات استراتژیک نساجی شمیمه به عنوان تنها تولید کننده داخلی به شمار می‌رفتند، اما قیمت تمام شده پارچه‌های وارداتی شیمی و برزنت (رسمی یا قاچاق) بسیار پایین‌تر از قیمت تمام شده پارچه‌های ما بود؛ لذا تولید این نوع محصول را متوقف کردیم.

اگرچه در سال‌های اخیر این پارچه در بازار بسیار ارزشمند شده است و بسیاری از مشتریان خواهان بازگشت شمیمه به مدار تولید پارچه برزنت هستند ولی دیگر تجهیزات سخت‌افزاری به روز را در دسترس

نداریم و همچنین متخصصین و کارشناسان تولید این محصول همگی بازنشسته شده‌اند.

هرچند امروزه کارخانه‌های متعددی در اصفهان و تهران تولیدکننده پارچه برزنتی و مشابه هستند اما کیفیت محصولات آنها در مقایسه با کیفیت پارچه‌هایی که سال‌های دور توسط شمیمه تولید و عرضه می‌شد؛ همچنان پایین‌تر است.

امروز تنوع محصولات شمیمه نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است که دلایل خاص خود را داشته، اما همچنان یکی از علایق شخصی من توسعه بخش تکمیل پارچه‌های برزنت است که متأسفانه هنوز موفق به اجرای آن نشده‌ام.

۴ ولی در برنامه‌های کاری شما قرار دارد؟

فعلاً بیشتر شبیه به یک آرزوست تا هدف و برنامه! متأسفانه آن قدر گرفتاری‌ها و حواشی تولید زیاد است که اجرای طرح‌های توسعه‌ای به مقوله‌ای دور از ذهن تبدیل شده است، ضمن این که نیروی انسانی توانمند که به اصطلاح پای کار باشد؛ در کنار ما قرار ندارد.

پدر در محدوده سنی خودشان، انرژی بسیار خوبی دارند اما به هر حال نمی‌توان انتظار داشت تمام کارها را ایشان پیگیری نمایند و بیشترین زمان و انرژی من نیز (در کنار امورات روزمره کارخانه) صرف رفع مشکلات کوچک و بزرگی می‌شود که نهادهای دولتی و قوانین دست و پاگیر تولید

۴ تاکنون چالش‌های تولید و صنعت به اندازه‌ای بوده که از فعالیت در نساجی خسته یا پشیمان شوید؟

خیر، زیرا علاقه بسیاری به صنعت نساجی دارم و یکی از دلایلی که فعالیت در نساجی را برایم توجیه‌پذیر می‌کند، همین دلبستگی است. مانند باغبانی که گلی می‌کارد و مشتاق رشد و پرورش آن گل است، من نیز از تلاش برای تولید و خلق محصول و موقعیت جدید لذت می‌برم.

به دلیل فشارهای اقتصادی و مشکلات مالی و این که بازارهای سنتی فروش و بنکداران پارچه خریداران مطمئنی برای محصولات کارخانجات نیستند، از ابتدای فعالیتیم در سمت مدیرعاملی به تقویت ارتباط با سایر شرکت‌های تولیدی پرداختم و امروز پارچه‌های تخصصی آنان را تولید می‌کنیم؛ به تبع آن نساجی شمیمه وارد فاز جدیدی از تولید یعنی دوخت و دوز از جمله البسه صنعتی (ضد الکتریسته ساکن، ضد آب و ...) شد که عامل اصلی نجات کارخانه در سال‌های سخت اخیر به شمار می‌آید.

راه برون رفت دیگر نگاه به بازار بیرون و صادرات (مثلاً به کشورهای همسایه است تا از فروش محصولات در کنار ارز آوری برای کشور، ارزش افزوده بیشتری در قبال فروش نصیب تولید کننده گردد.

صد درصد توصیه می‌کنم. طبق آمار، کسب و کارهای خانوادگی بزرگ‌ترین درصد صنایع را تشکیل می‌دهند لذا نمی‌توان چنین سهمی را نادیده گرفت اما نحوه تعامل اعضای خانواده و درک متقابل از کار، نیازمند فرهنگ‌سازی صحیح و اصولی است. در صورتی که شرکتی دستخوش تغییر نسل شده باشد، باید مراحل این جابجایی بصورت مطالعه شده و کامل صورت پذیرد و مورد پذیرش اکثریت سهامداران قرار بگیرد. طبعاً اختلاف نظر در مسائل مدیریتی کسب و کارهای خانوادگی پیش‌بینی می‌شود؛ اشکال کار اینجاست که چون افراد در یک سطح توانایی قرار دارند به خود اجازه می‌دهند افکارشان را بی‌پروا اعلام کنند، با نظرات دیگران مخالفت کنند و بر دیدگاه خود پافشاری ورزند به این ترتیب اختلافات شکل می‌گیرد در صورتی که باید اصول و مراتب مشخصی توسط اعضای خانواده رعایت شود همه باید به آن احترام بگذارند.

اختیارات و مقام مدیریتی باید به‌صورت قانونی و عملی به نسل جدید واگذار گردد و نسل گذشته در کنار مدیر جوان به انتقال تجربیات گرانبهای خود می‌پردازد تا وی بر روند کار و مسئولیت خود مسلط شود و سپس به عنوان مشاور به او در صورت نیاز و شرایط خاص مشاوره می‌دهد.

۴ و حرف آخر و حسن ختام این مصاحبه...

بدون شک، تنها راه برون رفت از مشکلات اقتصادی تقویت صنعت است نه بازرگانی و دلالی محصولات خارجی. از دوران دانشجویی این تفکر را داشتم که پتانسیل‌های موجود در کشور فراوان است ولی متأسفانه مکانیسمی برای بهره‌گیری از این توانمندی‌ها در مسیر صحیح و شایسته وجود ندارد لذا شاهد هدر رفت استعداد‌های مختلف هستم. امیدوارم قدر تولیدکنندگان و صنعتگران بیش از پیش شناخته و فضایی برایشان ایجاد شود تا بتوانند از داشته‌هایشان، از صنعتی که جوانی، عمر و سرمایه خود را گذاشته‌اند و زندگی خانواده‌های متعددی را سر و سامان داده‌اند، حراست نمایند.

امیدوارم روزی فرا برسد که دغدغه‌های حاشیه‌ای به حداقل برسد و تمرکز بر تولید و توسعه افزایش یابد.

در تهیه ماشین‌آلات صنعتی بی‌اثر نیست. دوم این که هیچ‌گونه ثباتی برای برنامه‌ریزی (حتی کوتاه‌مدت) در کشور وجود ندارد و عملاً صادرات و ارتباط با مشتریان خارجی برایمان توجیهی ندارد. متأسفانه تولید در کشور ما بسیار مظلوم است و به جایی رسیده‌ایم که کارخانه را صرفاً برای تداوم اشتغال کارگران حفظ کرده‌ایم. علی‌رغم مشکلات اقتصادی کشور و تحریم‌ها، دولت می‌تواند با اعتماد و توجه به ظرفیت‌های علمی و عملی برخی از تولیدکنندگان، با حمایت‌های اصولی و پایدار مسیر پیشرفت را برای آنها فراهم نماید تا شاهد اتفاقات خوب در بخش صنعت باشیم.

۴ شمیده به نسل سوم می‌رسد؟

بعید می‌دانم. ارزش شرکت‌ها (به‌خصوص شرکت‌های خانوادگی) به بقای آنهاست. ۱۰ سال پیش که در مورد پیشینه شرکت‌های خانوادگی به تحقیق می‌پرداختم، متوجه شدم قدمت یکی از شرکت مطرح ایتالیایی به ۱۷ نسل می‌رسد و فکر می‌کنم امروز به نسل هجدهم یا نوزدهم رسیده باشد! چنین شرکت‌هایی ساز و کار مشخص و برنامه‌ریزی مدون برای نسل‌های آینده دارند ولی آیا در کشور ما کسی می‌تواند برای ماه آینده خود برنامه‌ریزی روشن و شفاف ارائه دهد چه برسد به نسل بعدی!

پدرم انسان میهن‌دوستی هستند و خود را اول استاد دانشگاه و بعد صاحب کسب و کار می‌دانند، لذا ایشان هیچ‌وقت نگرش بازارآبانه به تولید نداشته‌اند و همواره کار علمی و فرهنگی انجام داده‌اند، سختی‌های بسیاری در روند کار تولید متحمل شده‌اند ولی به کارخانه به‌عنوان منبع خلق پول نگاه نکرده‌اند مع‌الوصف اگر راهکاری برای سودآوری منطقی کارخانه پیدا نشود، دیگر انگیزه‌ای برای بقا باقی نمی‌ماند.

طبیعتاً انگیزه مالی می‌تواند حضور نسل جدید در کسب و کار خانوادگی را توجیه کند و هرچه سودآوری بیشتر باشد، جذابیت آن برای ورود و پاگیر کردن نسل جوان بیشتر خواهد بود.

۴ آیا کسب و کار خانوادگی را به دیگران توصیه می‌کنید؟ آیا روابط خویشاوندی تحت تأثیر مسائل کاری یا مالی قرار نمی‌گیرد؟

۴ تعداد تولیدکنندگان البسه صنعتی تخصصی در ایران زیاد است یا این بخش از صنعت نساجی، تولیدکنندگان محدودی دارد؟

تعدادشان کم نیست منتها پارچه تولیدی ما تخصصی است و در ایران تولید نمی‌شود، وجه تمایز شمیده همین موضوع می‌باشد. البته در این مسیر ۲ چالش اساسی داریم: اول اینکه چنین پارچه‌ای اغلب از طریق قاچاق به وفور و بدون هیچ محدودیت یا مشکلی، در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌گیرد. دوم، بسیاری از تولیدکنندگان البسه و واحدهای دوخت و دوز به‌صورت (اصطلاحاً) زیرپله‌ای و با کارگران (عمدتاً) افغانی فعالیت می‌کنند و در نتیجه بسیاری از هزینه‌های رسمی دستمزد و مالیات را نمی‌پردازند و این موضوع روی قیمت تمام شده محصول بسیار اثر گذار است.

۴ و کیفیت پارچه‌های وارداتی (از طریق قاچاق) در چه سطحی قرار دارد؟

عمده پارچه‌های قاچاق، خرید استوک یا فروش نرفته به بازار غرب و شرق دور است. تا سال گذشته صحبت بر این بود که کیفیت پارچه‌های مذکور و آسترهای به مراتب پایین‌تر از کیفیت محصولات ماست ولی امسال شنیده‌ایم که این پارچه با کیفیت‌های متنوع حتی برتر از ما و حدود ۳۰ درصد ارزان‌تر از قیمت فروش ما در بازار به فروش می‌رسد. با شرایط حال حاضر مگر یک تولیدکننده چند درصد سود سالم می‌تواند از یک محصول داشته باشد؟ لذا در ۶ ماه اول امسال، تولید و فروش یکی از محصولات را به طور کامل متوقف کردیم زیرا توجیه اقتصادی ندارد و یا مجبور شده‌ایم برای مدتی اغلب محصولات را زیر قیمت تمام شده به فروش برسانیم تا چرخ کارخانه به حرکت ادامه دهد.

۴ با این اوصاف، چشم‌اندازی برای صادرات متصور هستید؟

به ۲ دلیل در زمینه صادرات فعالیت نکرده‌ایم. نخست این که ماشین‌آلات کارخانه بسیار قدیمی است و به دلیل کمبود منابع مالی و نیروی انسانی متخصص قادر به نوسازی و بازسازی آن نشده‌ایم؛ هر چند تحریم‌ها نیز